

اطلاعات، تکنولوژی و جنگ روانی

غلامرضا گودرزی

کارشناس علوم اجتماعی

مقدمه:

در جنگ بین کشورها در جهان کنونی، توانایی تأثیر گذاشتن بر روحیه و روان نیروهای نظامی و مردم کشور مقابل با استفاده از اطلاعات و تکنولوژی مدرن، می تواند عامل اصلی پیروزی باشد.

در جنگ وجود اطلاعات کامل دقیق و روشن از دشمن، کمک مناسبی جهت ایجاد یک جنگ روانی در میان نیروهای نظامی و عوامل پشتیبانی دشمن می باشد.

از آنجا که جنگ یک پدیده‌ی اجتماعی است؛ طرف‌های درگیر در آن مختار در استفاده از هر نوع وسیله‌ی دفاعی از جمله سیستم‌های اطلاعاتی و تکنولوژی می باشند و کاملاً روشن است که استفاده از این امکانات جهت غلبه (فیزیکی و روانی) بر طرف مقابل می باشد. جهان رو به سویی نهاده که شاید به جرأت بتوان گفت که در عملیات های نظامی آینده وجود سلاح کارآیی چندانی داشته باشد و آنچه که نتیجه جنگ را مشخص خواهد نمود، وجود اطلاعات و سیستم‌های دریافت و نشر آن مانند رایانه ها، اینترنت و در یک کلام تکنولوژی روز است. تکنولوژی می تواند اطلاعات کامل و دقیقی ارائه دهد و این اطلاعات در ایجاد یک جنگ روانی تمام عیار مورد استفاده قرار گیرد.

جنگ چیست:

جنگ را باید یک پدیده‌ی اجتماعی دانست که قدمت آن به اندازه حیات انسان است، جنگ همزاد بشر می باشد. گویا بشر نمی تواند این بلا را از سر خود دور کند. بدون

جنگ زندگی سخت، کسل کننده و یکنواخت خواهد بود. از دیدگاه جامعه شناسان کنش های متقابل اجتماعی* به دو صورت ظاهر می گردد:

الف) کنش های متقابل پیوسته.

ب) کنش های متقابل ناپیوسته.

نوع اول این کنش ها به همکاری و یگانگی و نوع دوم به رقابت، ستیز، سبقت و کشمکش منجر می شود.^۱

در تعریف از جنگ نظر واحدی بین اندیشمندان و صاحب نظران وجود ندارد؛ ولی آنچه که از مجموع تعاریف استنباط می شود در قالب زیر بیان می گردد:

جنگ یک پدیده ی اجتماعی همراه با خشونت و ستیز بین گروه های سازمان یافته می باشد که طرف های درگیر در آن، از تکنولوژی روز و توان و قدرت خود برای غلبه ی (فیزیکی و روانی) بر طرف های دیگر استفاده می نمایند.

آنچه که در تعریف فوق بیشتر از همه مورد نظر است عبارتند از:

۱- استفاده از تکنولوژی روز (سیستم های اطلاعاتی) است که معمولاً در جنگ ها سعی بر این است که بالاترین و پیشرفته ترین دست آوردهای بشری، برای غلبه بر حریف مورد استفاده قرار گیرد و معمولاً هم بدین گونه بوده است. بسیاری از پیشرفت های بشر مرهون جنگ و سلطه طلبی انسان ها است.

۲- غلبه روانی بر دشمن می باشد؛ در یک جنگ روانی تمام عیار می بایست اطلاعات درست، صحیح و کاملی وجود داشته باشد تا متخصصان جنگ های روانی با به کارگیری این اطلاعات، به موقع بتوانند در تضعیف روحیه ی دشمن مؤثر باشند. به عبارت دیگر یک عملیات روانی موفق وابسته به اطلاعات دقیق و درست است.

جنگ روانی:

اعتقاد بر این است که مورخ و تحلیل گر نظامی بریتانیایی «فولر»^۱ اولین کسی است که این اصطلاح را در سال ۱۹۲۰م به کار برد. اقدام‌های نهفته در دل این اصطلاح سابقه باستانی دارد. فولر بیان می‌کند که: «وسایل ستی جنگ؛ ممکن است جای خود را به جنگ روانی ناب بدهد که در آن از سلاح استفاده نمی‌شود بلکه زایل کردن خرد انسان‌ها به وسیله نفوذ در اراده آنها می‌باشد».

آنچه مسلم شده این است که اصطلاح «جنگ روانی» در جنگ جهانی دوم و در آمریکا رواج پیدا نمود و از آن به بعد اندیشمندان سعی نمودند که تعاریفی از جنگ روانی ارائه نمایند که تعدادی از این تعاریف عبارتند از:

جنگ روانی عبارت است از: «مجموعه اقداماتی که برای ضعیف نمودن روحیه دشمن و تأثیر در عواطف و عقاید او، در جهت پشتیبانی هدف‌هایی که از طریق عملیات رزمی تعقیب می‌شود».^۲

در تعریف دیگری از جنگ روانی آن‌را وسیله‌ای غیرکشنده می‌دانند جهت تأثیرگذاری بر روان مردم کشور و هدف آن ست نمودن اراده جنگیدن افراد دشمن. تأثیرگذاری عملیات روانی بر روی نگرش و رفتار مخاطبان بی طرف، خودی و دشمن می‌باشد و جهت آن دست‌یابی به اهداف سیاسی و نظامی است.^۳

صلاح نصر نویسنده‌ی مصری نیز، جنگ روانی را این چنین تعریف می‌نماید: «جنگ روانی همان جنگ عقیده و کلمه است؛ خواه به صورت مخفی، آشکار و یا ترکیبی باشد، اساساً سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هر گاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد می‌تواند به اعماق او نفوذ نماید».^۴

اما آنچه از تعاریف اکثریت اندیشمندان در حیطه‌ی جنگ روانی، می‌توان به عنوان نقاط مشترک بیان کرد عبارت است از:

عملیات روانی (جنگ روانی) مجموعه اقداماتی است در جهت کاهش، تضعیف و یا از بین بردن روحیه و توان جنگی نیروهای نظامی و مردم طرف مقابل (دشمن).

عملیات روانی می‌تواند در قالب های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی ظاهر گردد، اما نمود این عملیات در بعد نظامی سریعتر و بیشتر است. عملیات نظامی از این حیث که یک تقابل ناپیوسته اجتماعی مستقیم^{*} می‌باشد ظاهر شدن عملیات روانی در آن از سایر ابعاد سریعتر می‌باشد. در رویارویی دو گروه متقابل نتیجه نمی‌تواند از دو حالت بیرون باشد:

اول: پیروزی. دوم: شکست یکی از دو طرف منازعه.

آنچه مسلم است این که عملیات روانی در غلبه بر حریف مؤثر است و استفاده کننده از این روش می‌تواند خود را در جایگاهی فراتر و بالاتر از طرف مقابل ببیند. برای اینکه عملیات روانی نتایج قابل قبولی داشته باشد می‌بایست چهار مرحله را طی نماید:

۱- داشتن هدف: آغاز هر کاری باید برای رسیدن به هدف یا اهداف خاصی باشد؛ حال می‌تواند کوتاه مدت و یا بلندمدت باشند. اما آنچه که مهم می‌نماید نوع هدف است؛ نوع هدف در جنگ روانی در چگونگی استفاده از ابزار و قواعد و روش های

^{*} تقابل در لغت به معنی در برابر هم قرار گرفتن و تضاد می‌باشد. در این تقابل از آنجا که دو اجتماع در برابر هم قرار گرفته اند و این جمع شدن دو اجتماع به سبب تضاد است، پس نمی‌تواند پیوسته باشد و عبارت ناپیوسته اجتماعی به این معنی می‌باشد. اما هر اجتماع در این تقابل به صورت مجزایین نیروهایش، جهت غلبه بردگری می‌بایست پیوستگی و یکپارچگی بوجود آورد. مستقیم بودن این تقابل نیز به خاطر رو در رویی دو گروه (اجتماع) در یک زمان خاص است.

جنگ روانی تأثیر دارد. به عنوان مثال هدف سیاسی در جنگ روانی؛ ابزار، قواعد و تکنیک های خاص خود را می طلبد.

۲- طرح ریزی (تدوین): در این مرحله از عملیات روانی دسترسی به اطلاعات و داشتن اطلاعات درست و به موقع می تواند بسیار مفید به فایده باشد، به طوریکه بر اساس این اطلاعات می توان نقاط قوت و ضعف دشمن را شناسایی نمود و سعی در تضعیف نقاط قوت دشمن و ضربه زدن به او از نقاط ضعف باشیم.

بر مبنای اطلاعات در طرح ریزی می توان عوامل تهدید کننده را شناسایی کرد، از فرصت ها به نحو احسن استفاده نمود و در گسترش فعالیت ها و متوع نمودن آنها در جهت جنگ روانی سود جست. در این مرحله می توان شیوه های مصون ماندن از حملات دشمن را نیز مطالعه و شناسایی نمود و از جنگ های روانی دشمن بر ضد نیروهای خودی جلوگیری کرد.

۳- اجرا: مرحله ی عملیاتی نمودن جنگ روانی است. می بایست بر مبنای ساختارهایی که طراحی و تدوین شده اند طوری عمل شود که ایجاد جنگ روانی در بین نیروهای دشمن، بتواند نتایج مطلوب ما را به وجود آورد و ما را به هدف نهایی نزدیک نماید. در این مرحله باید بتوانیم با عملیات روانی جنگ را در مسیر مورد نظر خود هدایت کنیم و با تضعیف روحیه و توان رزمی دشمن و نیروهای پشتیبانی او، جنگ را به نفع خود به پایان ببریم.

۴- کنترل پیامدها: هر فرآیندی برای تداوم و تکامل خود نیازمند ارزیابی و تجدیدنظر در طرح ها و چگونگی اجرای روش ها و اهداف می باشد. جنگ روانی نیز از این مقوله نمی تواند بی نیاز باشد. در جنگ روانی جهت کنترل پیامدها باید در تمامی مراحل کار، نظارت همراه مراقبت به کار گرفته شود زیرا این کار باعث تکامل و تداوم جنگ

روانی خواهد شد. همچنین ارزیابی بعد از جنگ نیز نقاط قوت و ضعف عملیات روانی را مشخص خواهد نمود.

انواع سطوح عملیات روانی:

الف) عملیات روانی استراتژیک:

معمولاً این عملیات دارای اهداف بلندمدت است و مناطق و تأسیسات استراتژیک دشمن که حیات وی به نوعی وابسته به آنهاست در عملیات مطرح می شود. در این عملیات باید سعی شود در درجه اول بر روحیه مردم و بعد بر روحیه نیروهای نظامی دشمن تأثیر گذاشت.

تأثیر گذاری بر روحیه مردم می تواند آنها را به شورش علیه دولت متبوع سوق دهد و تأثیر گذاری بر نیروهای نظامی می تواند در کاهش قدرت فیزیکی این نیروها جلوه نماید.

در این عملیات می توان از حمله های هوایی جهت رسیدن به اهداف فوق سود جست. به عنوان مثال حمله ی دولت آمریکا به هیروشیما در جنگ جهانی دوم و حمله ی هوایی به هدف های استراتژیک یوگسلاوی به پایان دادن زودهنگام جنگ کمک نمود.

ب) عملیات روانی تاکتیکی:

این عملیات به صورت مستقیم بر روحیه نظامیان درگیر در جنگ تأثیر می گذارد و باعث در هم شکستن روحیه، اراده و توان رزمی نیروهای طرف مقابل و عوامل پشتیبانی آنها خواهد شد. در این عملیات می توان به دو روش عمل نمود:

۱) با ارسال پیام های رادیویی و تلویزیونی و پرتاب اعلامیه ها و برشورهای تبلیغاتی جهت تضعیف روحیه دشمن عمل کرد.

به عنوان مثال: در جنگ اخیر آمریکا علیه عراق، آمریکا از تمامی شیوه های بالا برای کاهش و تضعیف روحیه و اراده جنگی سربازان عراق استفاده نمود، به طوریکه بسیاری از سربازان عراقی از جبهه فرار نموده و آنهایی هم که درگیر جنگ بودند با بیرون آوردن

پیراهن سفید خود و گرفتن آن بالای سر تسلیم نیروهای آمریکایی شدند و در نهایت جنگ با شکست عراقی ها و فرار صدام در ظرف ۲۰ روز به پایان رسید.

۲) همچنین حملات وسیع و پی در پی زمینی، هوایی و دریایی به طوریکه بتواند قدرت دفاع و مقابله به مثل را از دشمن سلب نماید، می تواند به صورت مستقیم روحیه دشمن را تضعیف کند. به عنوان مثال: حملات شدید هوایی متفقین در جنگ دوم خلیج فارس که ۳۸ روز به طول انجامید موجب شد روحیه مبارزه طلبی نیروهای عراقی تنزل یابد. به طوریکه حدود ۶۰ هزار سرباز عراقی (تقریباً ۴۰ درصد) از خدمت گریختند و بسیاری از نیروها نیز که باقی مانده بودند پس از جنگ اقرار نمودند که خود را آماده فرار کرده بودند یعنی آمادگی و روحیه جنگی وجود نداشت از ۶۲ هزار اسیر عراقی تنها ۶۴۰ نفر به کمک های پزشکی احتیاج داشتند.

ج) عملیات روانی تحکیمی:

این عملیات معمولاً در مناطق آزاد شده و یا تسخیر شده صورت می گیرد؛ در این عملیات باید بتوان محیط واقعی را برای مردم و ساکنین این مناطق بازسازی نمود، تا به این وسیله ادراک آنها را از موقعیت تغییر داد. به عنوان مثال می توان با اظهار دوستی و دل سوزی روحیه و ادراک آنها را به نفع خود عوض کرد.

در این عملیات می بایست اطلاعات دقیقی از شیوه زندگی، وسایل حیاتی و روحیه مردم این مناطق کسب نمود و بعد بر مبنای این اطلاعات طرح ریزی جامعی داشت. اصولاً باید بتوان خواسته های خود را با هر طریق ممکن به دشمن و مردم این مناطق بقبولاند و آنها را به پذیرش مطالبات خود وادار نمود و از این مناطق جهت حملات و هدف های بعدی استفاده بهینه کرد.

«میشل فوکو» سخنانی دارد که بسیار نزدیک به موضوع مورد نظر است او می گوید:

«حاکم ظالمی که از خرد بهره ای ندارد، بردگان خود را با زنجیرهای آهنین به قید و بند می کشد، ولی سیاست مدار عاقل آنان را با زنجیر بسیار محکم تری تحت انقیاد درمی آورد که همانا عقاید خودشان است.»

در یک گفتمان کلی می توان بیان نمود که هر سه سطح عملیات روانی به شدت به وجود اطلاعات وابسته می باشد؛ اطلاعاتی که دقیق و درست باشد و بتواند آگاهی کاملی از وضعیت های استراتژیکی دشمن، نیروهای رزمی، پشتیبانی، تکنولوژی، فناوری و مردم نواحی درگیر در جنگ دشمن در اختیار متخصصان جنگ های روانی خودی قرار دهد. وجود اطلاعات از مواضع، استحکامات، روحیه دفاعی، جنگی و توان عملیات نظامی دشمن و خودی به نیروهای جنگ های روانی این توان را خواهد داد که در تضعیف روحیه دشمن در هر سه طریق عملیات های روانی موفق و پیروز باشند و از طرف دیگر بتوانند با دادن روحیه به نیروهای خودی از جنگ های روانی دشمن به این نیروها بکاهند.

اطلاعات چیست:

جامعه بشری برپایه ی اطلاعات استقرار یافته است، آدمی جهت تجزیه و تحلیل درست مسائل می بایست اطلاعات دقیقی از آنچه در پیرامونش می گذرد داشته باشد. اطلاعات، مهمترین و تداوم یابنده ترین منبع مورد استفاده در تمامی علوم و فنون در عرصه های گوناگون زندگی است. شناخت روشن و دقیق از اطلاعات موجود در جامعه می تواند به ما در پیشبرد اهداف کمک نماید.

اطلاعات در لغت به معنی خبرها، آگاهی و دانستی ها می باشد. ولی در اصطلاح خبرهایی که بررسی و تأیید شده باشد را می گویند.

پس باید گفت که عامل پیروزی در عملیات ها (نظامی - روانی) دست یابی به اطلاعات می باشد؛ اطلاعاتی که درست و دقیق باشد. هر نیروی نظامی (هر کشوری)

که در مدیریت تولید ، جذب و انتقال اطلاعات از سرعت بیشتری برخوردار است ؛ در اتخاذ تدابیر برنامه ریزی جهت تأثیر گذاشتن بر دشمن و عوامل پشتیبانی آنها (همچنین تأثیر گذاری بر مردم خود) از شتاب بیشتری برخوردار خواهد بود.

اطلاعات می بایست دارای ویژگی های زیر باشد:

۱- دارای عمق باشد یعنی سطحی نباشد.

۲- به روز باشد.

۳- دارای صحت و درستی باشد.

۴- دارای هدف و جهت باشد. اطلاعاتی که هدف گیری و جهت دقیقی دارد و برای هدف خاصی تهیه می شود همانند یک سلاح با هدف گیری دقیق مهم است.

۵- دارای ابعاد سیاسی ، نظامی ، فرهنگی ، اقتصادی ، اجتماعی و... باشد. ۵

اطلاعات جنگ روانی:

مجموعه اطلاعاتی که از جمع آوری ، ارزیابی ، مقایسه و تحلیل اطلاعات مربوط به نظریات ، طرز برخورد ها ، عقاید ، حساسیت ها و رفتارهای ارادی و غیر ارادی که شخصیت گروهی را که تبلیغات و ابزار غیر کشنده دیگر باید به آنها اثر کند ، نتیجه گیری می شود.^۶

به عبارت ساده تر باید گفت اطلاعات جنگ روانی عبارت است از:

مجموعه دست آوردهایی که از طرق مختلف جمع آوری شده (اخبار ، گزارش ها ، شایعه ها و...) و مورد ارزیابی ، مقایسه و تحلیل قرار می گیرد تا بدان وسیله بتوان قدرت رزمی دشمن را تضعیف نمود و روحیه ی جنگی آنها را کاهش داد ، از طرفی بتوان پیروزی و غلبه خود را تثبیت کرد.

«سن تزو» در مورد گردآوری اطلاعات از دشمن می گوید:

«در یک جنگ باید از دشمن تا جای امکان اطلاعات درست کسب نمود؛ در این صورت است که ما می توانیم اراده خود را بر دشمن تحمیل نماییم و دشمن را وادار به پراکنده شدن کنیم.»^۷

آنچه که مهم می نماید و سبب به دست آوردن اطلاعات می گردد «ارتباطات» است. ارتباط باعث انتقال اطلاعات نیز می گردد. در تبادل اطلاعات، انسان از خود و هم نوعان خود و محیط پیرامونش می تواند اطلاعات کسب نماید.

در اهمیت اطلاعات ناچیز و بی اهمیت بودن مطرح نیست و اطلاعات هر چند جزئی و کم اهمیت باشد بعد از بررسی و ویرایش می تواند در پیش برد اهداف جنگ روانی (نظامی) مورد استفاده قرار گیرد.

باید سعی شود تا جایی که ممکن است اخبار بدون واسطه و بدون تأخیر و در زمان مناسب برای بررسی و تحلیل گردآوری گردد، در این صورت ممکن است متخصصان عملیات های روانی با تکیه بر دانش و اطلاعات ذهنی خود عملیاتی را طراحی نمایند. و این مسأله بیشتر از آن که بتواند باعث تضعیف دشمن گردد ممکن است به عنوان حربه ایی در دست متخصصین جنگ های روانی دشمن قرار گیرد و بر ضد خود (نیروهای خودی) استفاده شود.

سن تزو، در این مورد می گوید: «اگر از نیروی دشمن و نیروی خودی اطلاعات کافی داشته باشی صد جنگ هم نباید تو را بترساند. اگر خودت را بشناسی اما دشمنت را شناسی در مقابل هر پیروزی یک شکست را متحمل خواهی شد. اما اگر نه خود و نه دشمن را شناسی، یک احمق بیش نیستی و در جنگ شکست خواهی خورد.»^۸

هدف از گردآوری اطلاعات:

هدف گردآوری اطلاعات ارزیابی کلیه موضوعات معقول می باشد، نه فقط همان فرضیه ای که معقول به نظر می رسد، در مواقعی بررسی گزارش هایی که قبلاً مورد استفاده قرارنگرفته اند، تحلیل گر اطلاعات را به واحد جدیدی هدایت می نماید.^۹

در ارزیابی کلیه مفروضات معقول و با تکیه بر گزارش هایی که بی اهمیت جلوه نموده اند، می توان راه معقولی به بدست آورد. هدف از گردآوری اطلاعات از طرف مقابل می باید مشخص گردد تا عوامل بتوانند کلیه اطلاعات پیرامون و متبهمی به آن هدف و دشمن را تهیه نمایند و تحلیل گران اطلاعات برای جنگ روانی و عملیات های روانی بهترین فرضیه عقلی را در جهت ضربه زدن و تضعیف روحیه و روان دشمن ارایه دهند.

نقش و ضرورت وجودی اطلاعات در عملیات روانی:

اطلاعات محصول مشاهده و ادراک است و ارزش آن با توجه به شناختی است که از هدف (دشمن) به طرف مقابل می دهد. در دریافت اطلاعات چهار حالت پیش می آید که عبارتند از:

- (۱) اطلاعات قبلی را افزایش می دهد و یا آن ها را تصدیق می نماید.
- (۲) به دانش ما درباره ی موضوعی خاص (روحیه دشمن) می افزاید.
- (۳) به علم ما درباره ی چند موضوع (روحیه دشمن، توان رزمی و پشتیبانی، نیروهای خودی و...) می افزاید.

(۴) یک حوزه جدید دانش به وجود می آورد.

نقش اطلاعات در جنگ به خصوص جنگ روانی نقشی حیاتی و اساسی است، هر چه اطلاعات در اختیار متخصصان دقیق تر، سیستماتیک تر و منسجم تر باشد، آن ها بهتر می توانند هدف را مورد اصابت قرار دهند.

نوع اطلاعات، منابع و کانال‌های اطلاع رسانی از جمله مهمترین مسایلی است که در طرح‌های جنگ روانی مورد توجه قرار می‌گیرد، ضرورت وجودی اطلاعات زمانی بیشتر احساس می‌شود که هنگام اجرای یک طرح تدوین شده متخصصان و مجریان جنگ‌های روانی ناگزیر باشند چند طرح پوششی و کمکی را برای پشتیبانی از طرح اول، تدوین و اجرا نمایند. در این مورد گردآوری اطلاعات هر چند جزئی و ناچیز می‌تواند در پیروزی و موفقیت طرح اصلی نقش بسیار مهمی داشته باشد. این اطلاعات که به منظور پشتیبانی از طرح اصلی گردآوری می‌شوند در مواقعی خاص اسباب گمراهی دشمن را نیز می‌توانند فراهم نمایند به این منظور جمع‌آوری و ارتباط اطلاعاتی با فرماندهان نظامی، سیاست‌مداران و تمامی کسانی که می‌توانند در پیشبرد اهداف یاری کننده باشند لازم و از ضروریات یک جنگ روانی است.

تکنولوژی اطلاعاتی:

در حال حاضر جهان دارای تکنولوژی (تجهیزات و امکانات) بسیار پیچیده و پیشرفته‌ای است که هر روز نیز بر میزان این پیشرفت‌ها و پیچیدگی‌ها افزون می‌گردد. امروزه تکنولوژی در همه‌ی ابعاد یک جامعه خصوصاً نظامیان آن نفوذ نموده است، در وجود جنگ میان دو کشور، قدرتی برنده و پیروز است که از تکنولوژی برتر و اطلاعات بیشتر سود جوید. جنگ در جهان کنونی نمی‌تواند آزمایش تلقی شود، جنگ واقعی است که در صورت وارد شدن در آن وجود تکنولوژی برتر و اطلاعات کامل‌تر می‌تواند به پیروزی بیانجامد.

تجهیزات و امکاناتی که امروزه در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، بی‌شک تجهیزات اطلاعاتی مانند ماهواره‌های جاسوسی و اطلاعاتی فوق پیشرفته، هواپیماهای بدون سرنشین برای انجام مأموریت‌های جاسوسی، شبکه‌های مخابراتی و دیجیتال و از همه

مهمتر شبکه های رایانه ای و اینترنتی است که تمامی اطلاعات ارسالی از سوی تجهیزات فوق را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در آن واحد مورد استفاده کاربران قرار می دهد. ذکر این نکته ضروری است که تکنولوژی برتر دنیای امروز سیستم های کامپیوتری می باشد و نام تکنولوژی اطلاعاتی بدون وجود این تکنولوژی بی معنی است، و این وادی دیگری است که در آن دنیایی از اطلاعات به چشم می خورد.

«پرفسور جان اریکسون»^{*} در مورد نقش کامپیوترها و اطلاعات در جنگ روانی و فیزیکی بیان می کند که: «عملیات نظامی (روانی) مدرن با سلاح سروکار ندارد. آنها با اطلاعات، دستور و نظارت سروکار دارند. اطلاعات کارها را انجام می دهد، اطلاعات سلاح ها را شلیک می کند، اطلاعات به دیگران می گوید که به کجا بروند و اگر می خواهید دنیا را خلع سلاح نمایید آنها را از دست کامپیوترها نجات دهید.»^{۱۰}

تحلیل گران نظامی معتقدند که در جنگ های اطلاعاتی و روانی اگر شبکه های رایانه ای و اطلاعاتی از کار بیفتد، نیروهای نظامی کشورهایی که از این تکنولوژی استفاده می نمایند حتی قادر نخواهند بود جابجا شوند، غذا بخورند، به طرف دشمن شلیک کنند و به عبارت ساده تر همه چیز فلج شده و از کار می افتد.^{**}

جنگ های آینده اساساً با تکنولوژی اطلاعات سروکار دارند. این تکنولوژی در سلاح های هوشمند مانند موشک های کروز، سلاح های زمین به هوا با قدرت قفل نمودن روی هدف، تجهیزات و ضد تجهیزات الکترونیک و تجهیزات کامپیوتری به کار می رود و رفته است.

^{*} John Erikson

^{**} در حال حاضر دانشگاه دفاع ملی آمریکا در واشنگتن محل تربیت افسران اطلاعاتی است که از جمله مهمترین ویژگیهای تخصصی این افسران مهارت داشتن در زمینه جنگ های الکترونیکی و حمله به مراکز رایانه ای دشمن است، به عنوان مثال هک نمودن سایت الجزایر در زمان جنگ عراق توسط این نیروها صورت گرفت.

اطلاعات هسته‌ی مرکزی امور نظامی مدرن است. به عنوان مثال: موشک‌های اگزوست* که در جنگ فالكلند به کار گرفته شد دارای چنین فناوری بوده اند. سرعت، دقت، دامنه‌ی برد و توانایی‌های پروازی این سلاح‌ها آن‌ها را عملاً از مقابله‌ی دشمن مصون نگه می‌دارد.

امروزه در مسایل نظامی میلیاردها دلار خرج تقویت و راه اندازی سطوح شناسایی و ارتباط شبکه‌های دفاعی و رایانه‌ای می‌شود. وجود این تکنولوژی سرعت را در کلیه‌ی مراحل عملیات‌های روانی و فیزیکی بالا می‌برد.

باید گفت که رابطه‌ی مستقیم بین تکنولوژی و کارایی نظامی وجود دارد. در جنگ و یا دفاع برای رسیدن به پیروزی وجود فناوری‌های پیشرفته‌ی اطلاعاتی لازم و ضروری است. آنچه مسلم است وابستگی بسیار شدید جنگ‌های آینده به سیستم‌های ارتباطی و اطلاعاتی است که بود و نبود آن می‌تواند پیروزی یا شکست را به ارمغان آورد.

به دلیل وابستگی جنگ‌های روانی به وجود اطلاعات وجود سیستم‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز ضروری می‌نماید. «فرولی بونته مایر»** یکی از مقامات نظامی اداره تحقیقات و تمرین ارتش آلمان در این مورد می‌گوید: «جنگ در قرن ۲۱ مجموعه عملیاتی است که در آن سیستم‌های اطلاعاتی یا رایانه‌ای دشمن به جای نفرات و تجهیزات جنگی مورد حمله قرار می‌گیرد». این نوع حمله‌ی به دشمن همان جنگ روانی استراتژیک می‌باشد که در آن سعی می‌گردد مناطق، منابع و تجهیزات استراتژیک، حساس و حیاتی دشمن مورد حمله قرار گیرد.

در پایان قطعاً ایجاد و به راه انداختن جنگ روانی در نتیجه‌ی جنگ‌های نوین تأثیر بسزایی خواهد داشت. به نظر می‌رسد در ایجاد جنگ روانی در هر سه حالت تاکتیکی، استراتژیکی و تحکیمی به دست آوردن اطلاعات در نقطه‌ی اول اهمیت قرار دارد. این اطلاعات که می‌بایست از نیروهای دشمن و خودی به دست آید اگر با اهداف نیروهای خودی در جنگ فیزیکی و جنگ روانی همخوانی و هماهنگی نزدیکی داشته باشد می‌تواند نتیجه‌ی جنگ را به نفع نیروهای خودی تغییر دهد. امروزه با پیشرفت بسیار سریع تکنولوژی و وجود وسایل و امکانات مختلف، برای دریافت و نشر اطلاعات مفید، سودمند و دست اول می‌بایست از امکانات و تکنولوژی موجود استفاده بهینه نمود و کاملاً روشن است که این دو به هم گره خورده اند. ((قدرتمند کسی است که بتواند اطلاعات بیشتری به دست آورد.))

منابع و مآخذ:

- ۱- جامعه شناسی جنگ و نیروی نظامی؛ ادیبی سده، مهدی؛ نشر سمت؛ ۱۳۷۹؛ ص-۶
- ۲- مدیریت تبلیغات در جنگ؛ نشر معاونت روابط عمومی و حوزه نمایندگی ولی فقیه در دافوس سپاه؛ ۱۳۸۰؛ ص-۱۴۵
- ۳- فصلنامه مطالعات عملیات روانی؛ معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه؛ بهار ۱۳۸۲؛ شماره یک؛ ص-۸
- ۴- جنگ روانی؛ نصر، صلاح؛ ترجمه: خسروی دارالقاهر، زهرا؛ چاپ دوم، جلد اول؛ ص-۷۶
- ۵- ژئوپولیتیک اطلاعات؛ آنتونی، ایمت؛ ترجمه: سایه انسی؛ فریدون؛ نشر سروش؛ ۱۳۷۴؛ ص-۱۶۲
- ۶- جنگ روانی و تبلیغات؛ شیرازی، محمد؛ نشر دبیرخانه همایش بررسی نقش تبلیغات در جنگ؛ ۱۳۸۰
- ۷- هنر جنگ و اصول آن؛ آرین، عباس؛ معاونت آموزش دانشگاه امام حسین (ع)؛ تهران، ۱۳۷۵؛ ص-۲۵
- ۸- جنگ روانی و تبلیغات؛ شیرازی، محمد؛ نشر دبیرخانه همایش بررسی نقش تبلیغات در جنگ؛ ۱۳۸۰، ص-۹۲
- ۹- هنر جنگ؛ تزو، سن؛ ترجمه: حبیبی، حسن؛ تهران نشر قلم؛ ۱۳۵۹؛ ص-۱۷۳
- ۱۰- نظریه های اطلاعاتی؛ ویستر، فرانک؛ ترجمه: داودی، مهدی؛ نشر وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۲؛ ص-۵۴